



افشای زوایای جدید یک پرونده
سید هادی کسایی زاده
(روزنامه نگار)

فشار مومنانه؟!!



ردپای امام جمعه تهران در پرونده چای آلوده

قاضی شخصاً وارد گود شده و پرونده را شخم می زند. قاضی بر اساس مستندات ۱۵ نفر از کارشناسان رسمی اعلام می کند این چای ها نه مصرف انسانی و نه حیوانی و نه صنعتی دارد. اما زور قاضی نمی رسد و قاضی (رئیس شعبه) را جابجا کرده و به نقطه دیگری تبعید می کنند و دیگر هیچ خبری از چای های آلوده منتشر نمی شود. یک منبع آگاه در این پرونده به کسایی زاده می گوید: آیت الله کاظم صدیقی امام جمعه تهران پیگیر این پرونده بودند و اصرار داشتند چای ها تحویل داده شود و این فشارها موجب برکناری قاضی شد. حالا شاید امام جمعه تهران نیت خیری داشته و ما نمی دانیم. هر چند خود شمس کل اتهاماتش را انکار می کند.

صفحه ۳

آن شعبه رای را به نفع او صادر می کند که با پیگیری دولت (سازمان تعاون روستایی) رای خلاف بین شرع تشخیص داده شده و نقض می شود. محمدطاهر شمس متهم پرونده کوتاه نمی آید و دوباره از شعبه ۲۳ همان مجتمع قضایی طرح دعوی می کند. و دوباره در یک رای جادویی حکم داده می شود تا چای ها را به او تحویل دهند. دادگاه تجدیدنظر تهران هم رای را تأیید می کند و اجرای رای به دست سلمان پورمریدی قاضی اجرای احکام مجتمع قضایی شهید بهشتی می رسد. قاضی نامه به ۱۱ شهرستان شمالی می زند تا چای ها تحویل شود اما در پاسخ اعلام می کنند که چای ها مملو از موش و سوسک و آلودگی است و امکان تحویل وجود ندارد. پس از این نامه

سید هادی کسایی زاده: در دولت محمود احمدی نژاد رئیس وقت سازمان چای کشور در یک اقدام غیرقانونی و با سفارش برخی نمایندگان مجلس با دولت برای خرید ۵۲ میلیون کیلو چای خشک از قرار میانگین کیلویی ۲۰۰ تومان قرارداد منعقد می کند. پس از این قرارداد هم او رسماً بازنشسته می شود تا سرفرصت بتواند چای ها را بفروشد و سود کلانی به جیب بزند. او بخشی از چای را از انبارها خارج کرده و ۳۲ هزار تن آن باقی می ماند. وقتی دولت روحانی متوجه چنین قراردادی می شود چای را به او تحویل نمی دهد برای همین او طبق قراردادی که در دست داشت در مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران واقع در خیابان سمیه طرح دعوی می کند. جالب و اسفبار آنکه قاضی

فرامینی برخی از مدیران فاسد حکومتش را عزل و دادگاهی می کردند. لذا صرف اینکه یک حکومت اسلامی باشد دلیل بر مقدس و تطهیر آن حکومت و مسئولانش نیست. در ماجرای پرونده زمین خواری و حوزه علمیه منصوب به آقای کاظم صدیقی امام جمعه تهران سکوت قوه قضائیه ضربه بزرگی به اعتماد عمومی مردم ایران زد. مردم تصور می کنند چون فرد امام جمعه یا مشاور قوه قضائیه است لذا هر گناه یا اشتباهی مرتکب شود ایرادی ندارد و این برخلاف رویه حکومت امیرالمومنین (ع) است. آقای صدیقی که هنوز از سوی قوه قضائیه دادگاه علنی رسیدگی به اتهاماتش برگزار نشده به آسانی دوباره امام جماعت تهران می شود. آیا این درست است؟ منطقی است؟

یادداشت روز: می گویند طرف نام فرزندش را رستم گذاشت و می ترسید او را صدا کند! ماجرای مادر جمهوری اسلامی ایران هم همین است. گاهی برخی افراد را آنقدر بزرگ و مقدس می کنیم که اگر هم خطایی کردند جرات نداریم با آنها برخورد کنیم. وقتی محمود احمدی نژاد گفت محمدرضا رحیمی معاون اول دولت نهم خط قرمز من است به این اعتقاد داشت چون تربیت شده همین تفکر بود. بعد رحیمی بازداشت و محاکمه و زندانی شد. یا سعید مرتضوی دادستان وقت تهران تصور نمی کرد روزی دادگاهی شود. این نشانه ها خوب است. اینکه ما رئیس بانک مرکزی نظام جمهوری اسلامی را به دلیل فساد محاکمه کنیم هر چند زشت است اما چاره ای نیست. در حکومت امیرالمومنین (ع) هم او در



امام جمعه ها
مقدس نیستند!

سید هادی کسایی زاده
سرمدیر و مدیر مسئول

خبری که در نطفه خفه شد

چای آلوده وارد بازار ایران شد!



شاید کمتر کسی خبر داشته باشد، چای هایی که طی سالیان سال از چای کاران خریداری شده اما کیفیت لازم را برای مصرف نداشته اند اکنون چه سرنوشتی دارد. در گذشته دولت و سازمان چای وقت برای اینکه تولید کنندگان ضرر نکند و برای حمایت از آنها این محصولات را بدون اینکه قصدی برای ورود آنها به بازار داشته باشند از چایکاران خریداری کردند اما در کمال ناباوری بعد از گذشت بیست سال هنوز بخش زیادی از این چای ها تعیین تکلیف نشده است و در منطقه امین آباد شهری ری و در انبارهای سازمان تعاون روستایی استان تهران نگهداری می شود.
نامشان چای سنواتی یا همان چای‌های سن و سال خورده است، بیش از ۲۰ سال در انبارها مانده‌اند اما بی کیفیت هستند و قابلیت مصرف ندارد؛ بعد از این همه سال وضعیت ۴۰ هزار تن چای سنواتی تعیین تکلیف نشده و سر نخواستن آنها دعوا است. این چای‌ها در انبارهایی عمیق و طویل و غیر بهداشتی در سازمان تعاون روستایی که در گذشته متعلق به سازمان چای سابق بوده است، نگهداری می شود، بر روی درهای این انبارها قفل و پلمب نصب شده است اما اخبار متعددی از مسئولان و نمایندگان مجلس درباره نشت آنها در بازار مصرف کشورمان به گوش می رسد.

بر اساس تصمیم گیری های انجام شده در مقاطع مختلف قرار بر معلوم سازی، انتقال به خارج کشور و تبدیل آنها به کود کشاورزی گرفته شده است، اما مشاهدات میدانی خبرنگار خبرگزاری تسنیم نشان می دهد که بخش زیادی از این چای ها هنوز سر جایشان باقی مانده و خبر از تعیین تکلیف آنها بعد از گذشت این همه سال نیست. بنابراین گزارش این چای‌های آلوده با وجود اینکه در انبارهای سازمان تعاون روستایی قرار دارد اما متعلق به یک بانک دولتی است زیرا در گذشته این چای‌ها با عاملیت این بانک خرید تضمینی می شد.

مسئولان دولتی به طور معمول در مصاحبه‌های خود با رسانه‌ها اعلام می کنند که این چای‌ها اجازه ورود به بازار ندارد اما اخبار موجود و اظهارات برخی نماینده‌های مجلس نشان می دهد که بخشی از این چای‌ها از انبارها نشت کرده و توسط برخی از سودجویان با چای‌های ایرانی و خارجی مخلوط و با برندهای معروفی به خورد مردم داده شده است.

***ورود چای های آلوده به بسته بندی یک برند معروف کشور**

احمدرضا بخشی رئیس کمیسیون تخصصی چای کنفدراسیون صنایع غذایی و عضو هیئت‌رئیسه اتحادیه بنکداران مواد غذایی در این ارتباط به خبرنگار خبرگزاری تسنیم گفت: اخیراً یک پرورنده جدید در باره اختلاط این چای‌های آلوده با چای‌های یک برند معروف در چند ماه گذشته در شمال کشور وجود دارد و هنوز این چای ها تعیین تکلیف نشده است، بخشی گفت: چای سنواتی که در انبارها باقی مانده غیر قابل مصرف و صنعتی است، اما این چای ها در مواردی به صورت غیر قانونی از انبارها خارج و با اختلاط با چای‌های ایرانی و خارجی وارد بازار شده است. وی افزود: به تازگی نیز پرورنده جدیدی درباره اختلاط این چای‌های آلوده با چای‌های یک برند معروف در شمال کشور تشکیک شد ولی با حضور به موقع مسئولان با آن برخورد لازم به عمل آمد.

عضو هیئت‌رئیسه اتحادیه بنکداران مواد غذایی ادامه داد: هزینه نگهداری این چای‌ها بیشتر از هزینه معلوم سازی آن است و دولت بعد از این همه سال باید تکلیف این چای ها را مشخص می کرد.

چای های سنواتی در گذشته نیز به بازار وارد شده است؛ نمایندگان مجلس و فعالان بخش خصوصی در سال های ۹۳ و ۹۴ خبرهایی از این مهم داده بودند و حتی سازمان چای نیز مورد تحقیق و تفحص مجلس قرار گرفت اما این چای ها دوباره در بازار نشت کرد.

***واکنش مسئولان دولتی**

البته مسئولان دولتی نشت چای های سنواتی در بازار و خروج آنها از انبارها را تکذیب می کنند؛ حسین شیرزاد معاون وزیر جهاد کشاورزی و مدیر عامل سازمان تعاون روستایی ایران نیز در این ارتباط به خبرنگار خبرگزاری تسنیم گفت: این چای ها فقط در انبارهای سازمانی تعاون روستایی مانده اما ارتباطی به ما ندارد و متعلق به یک بانک دولتی است. وی افزود: این چای های سنواتی مربوط به ۲۰ سال گذشته است به تشخیص مراجع قضایی و دستگاه های مسئول غیر قابل شرب و صنعتی تشخیص داده شده است و باید از کشور خارج شود.

معاون وزیر جهاد کشاورزی ادامه داد: این چای ها تحت مراقبت نهاد های نظارتی است و به شدت از آنها مراقبت می شود.

***سابقه ورود چای های سنواتی به بازار**

این در حالی است که ایرج هوسمی رئیس سابق اتحادیه چایکاران کشور در سال ۹۴ خبر از ورود این چای به بازار داده و گفته بود؛ در فصل برداشت چای ایرانی متاسفانه شاهد ورود چای تاریخ گذشته خارجی هستیم که به نام چای ایرانی فروخته می شود. وی همچنین بر این نکته تاکید کرده بود، این چای‌ها مطلقاً شرایط عرضه به بازار مصرف را ندارند. دولت نیز این امر را مصوب کرده است که این چای‌ها باید صرفاً به مصارف کمپوست رسیده یا معلوم شود اما هر از گاهی شاهد این هستیم که از سازمان چای خارج می شوند.

رئیس سابق اتحادیه چایکاران کشور اظهار داشت: گاهی اوقات این چای‌ها با فرآوری در مرز یا خارج از آن به عنوان چای ایران یا خارجی دوباره به کشور وارد می شود و مشکلات عدیده‌ای را برای سلامتی مردم ایجاد می کند. وی با اشاره به اینکه به شدت از خروج چای‌های سنواتی از انبار جلوگیری می شود ادامه داد: انبارهای چای سنواتی پلمب شده است، اما این پلمب اخیراً شکسته شد و قصد خروج این چای ها وجود داشت که

ردپای امام جمعه تهران در پرونده چای های آلوده

دلیل فعالیت افراد غیر نگر تحت عنوان فعالان سایبری، تویتر بازان، ارتش مجازی، آتش به اختیاران و حتی معاندان جمهوری اسلامی ایران و ناکامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دادستانی در ساماندهی فضای مجازی و همچنین شکست رسانه های حکومتی و دولتی در تولید محتوای صادقانه و شفاف و انتشار گسترده اخبار و به تبع آن بی اعتمادی مردم به رسانه ملی و دولتی ها امروز شاهد موجی از اخبار و شایعات در فضای مجازی هستیم که موجب شده با پول پاشی های گسترده اخبار مهم به ویژه افشای فسادها پس از مدتی پنهان و از افکار عمومی محو شود. بعنوان مثال بزرگترین فساد تاریخ ایران «چای دیش» چنان از سوی حامیان دولت سیزدهم عقیم شد که حتی واکنش رئیس قوه قضائیه هم در نطفه رسانه‌های دولتی و حکومتی خفه شد و این خود یک فساد پنهان است. در این میان برخی پرورنده های فساد پشت پرده سیاست پنهان می شوند؛ چرا که در ایران خبرنگاران ضد فساد و روزنامه نگاران حرفه ای هیچ جایگاه و دسترسی آزاد به اطلاعات مورد نیاز ندارند، حتی آنها حق ورود به جلسه سخنگوی قوه قضائیه، دولت یا مجلس را نداشته و ورود آنها به دادگاه های به اصطلاح علنی ممنوع است و این حق خبرنگاران گزینش شده دولتی و حکومتی است. با این حال لایبای محدودیت های غیرقانونی دولتی ها و حکومتی ها با مشارکت مردم و برخی مسئولان دلسوز اخبار و اطلاعاتی از طریق روزنامه نگاران حرفه ای و ضدفساد منتشر می شود. هرچند این انتشار موجب آزار و شکنجه این طایفه داران رسانه شده اما آنها حرفه ای به رسالت خود پایبند هستند. اینجانب سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار که در کارنامه خود افشا و انتشار پرونده‌ها و فسادهایی مانند بیمه ایران با محکومیت محمد ضار حیمی معاون اول دولت نهم، پدیده شائندیز، بانک مرکزی، بانک سرمایه، فساد انتخابات در جنوب تهران، تعزیرات حکومتی، شهرداری تهران، هجوم افغان ها و غیره را دارم. و امروز پرورنده دیگری را با زخوانی می کنم تا در تاریخ فسادها و رسانه ایران به یادگار بماند.
بعید می دانم پیگیری شود اما قوه قضائیه شفاف در مورد آن توضیح با مستندات دهد تا افکار عمومی تنویر شود. شاید با شنیدن پرورنده چای های آلوده بی اختیار به یاد پرورنده چای دیش بیفتید. اما این پرورنده با آن متفاوت است. رسانه تلاش کرده با پر رنگ کردن چای دیش پرورنده چای آلوده را خشتی کند. اهمیت این پرورنده چنان بزرگ است که احمد توکل رییس هیأت مدیره سازمان مردم نهاد دیده بان شفافیت و عدالت و عضو مجمع تشخیص مملحت نظام نامه ای به محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه نوشت و حتی از سلمان پورمریدی قاضی پرورنده هم تشکر کرد. اما این پرورنده ناگهان در سکوت مطلق رسانه ای فرورفت و چون خبرنگاران ضد فساد و حرفه ای حق ورود به جلسه سخنگوی قوه قضائیه را ندارند این پرسش دیگر مطرح نشد.

***ماجرای پرورنده چای های آلوده**

ماجرا از این قرار است که شرکت دولتی «سازمان مرکزی تعاون روستایی» در بهمن ۱۳۹۱ با شخصی به نام محمد طاهر شمس، رئیس اسبق سازمان چای کشور، یک ماه قبل از بازنشستگی خود طی قراردادی، ۵۲ میلیون کیلو چای خشک سنواتی (به اندازه ۵ برابر ظرفیت مصرف کشور) را می فروشد. یعنی اصل قرارداد غیرقانونی بوده چون طبق قوانین مزایده و مناقصات دولتی دولت نمی تواند به مدیر دولتی چیزی بفروشد یا معامله ای داشته باشد. اما این فرد با سفارش برخی نماینده های مجلس به راحتی معامله می کند. موضوع از زمانی آغاز شد که پس از پایان دولت محمود احمدی نژاد و شروع به کار دولت حسن روحانی فردی به نام حسین صفایی به عنوان رئیس سازمان تعاون روستایی منصوب می شود. در بین کارهای نیمه تمام سازمان قراردادی مشاهده شد که پیگیری اجرای آن می توانست آورده بالایی برای مجری داشته باشد یا فسخ آن از بروز خسارتی بیش از ۵۰ میلیارد برای سازمان و مردم جلوگیری کند. براساس قرارداد شماره ۱۴۰ مورخ: ۱۸ بهمن ۱۳۹۱ سازمان مرکزی تعاون روستایی حدود ۵۲ میلیون کیلوگرم چای خشک سنواتی غیر قابل شرب مربوط به سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ را به آقای محمد طاهر شمس به فروش می‌رساند. بر مبنای بند ۷ گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص که در جلسه رسمی و علنی مورخ اول مهرماه ۱۳۹۲ قرائت شد و براساس صورت جلسه نمایندگان اعزامی رئیس جمهور به منطقه مصوب شد عرضه چای داخلی که بیش از ۳ سال از تاریخ تولید آن گذشته باشد ممنوع است. بر این اساس مقرر شده بود کل چای خشک غیر قابل شرب تولیدی در سال ۱۳۸۶ به مقدار تقریبی ۱۲ میلیون کیلوگرم از قرار هر کیلوگرم ۱۰۰۰ ریال و صرفاً به منظور تبدیل به کمپوست یا نظارت

سازمان چای کشور و استاندارد گیلان و حدود ۴۰ میلیون کیلوگرم چای مربوط به سال‌های ۸۷ و ۸۸ از قرار هر کیلوگرم ۳۸۵۰ ریال به فروش برسد که با توجه به مصوبه مورد اشاره در بند ۲، چای مربوط به سال‌های ۸۷ و ۸۸ هم قابلیت عرضه در بازار جهت مصرف خوراکی انسانی ندارد. بر مبنای مواد سوم و چهارم قرارداد، خریدار مکلف به پرداخت بهای محموله‌های چای، قبل از حمل بوده و می بایست ظرف مدت یک سال از تاریخ انعقاد قرارداد (تا تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۹۲) حداقل ماهیانه ۴ میلیون کیلوگرم از موجودی انبارها با پرداخت هزینه‌های انبارداری موضوع قرارداد به وی تحویل می شد که خریدار تعهدات خود را انجام داده است.
فروشنده طبق قرارداد می تواند در صورتی که خریدار تعهدات خود را ایفاء نکرد اقدام به ضبط سیره حسن انجام معامله کند یا نسبت به لغو قرارداد، عدم مالکیت خریدار نسبت به مبیع، دریافت جریمه تأخیر به میزان ۵۰ ریال به ازای هر کیلوگرم در هر روز از خریدار یا دریافت حق فروش مجدد اقدام کند. لذا چون خریدار تعهدات خود را نسبت به ۳۲ میلیون کیلوگرم از چای موجود در انبارها انجام نداد، اختراهای متعددی از تاریخ ۱۰/۲۱/۱۳۹۲ به مدت یکسال به وی داده شد و چون خریدار از ایفای تعهدات خود استنکاف ورزید، قرارداد در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳ از سوی سازمان مرکزی تعاون روستایی لغو شد. شمس کوتاه نیامد و تلاش کرد هر طرور شده چای را از انبارها خارج کند. اما قاضی پرونده با هوشمندی زیاد کار را به کارشناس سپرد. حسب اظهار نظر معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی گیلان و بررسی‌های تخصصی شبکه‌های بهداشت که به صورت مستقل نمونه محموله‌های انبار شده چای را مورد بررسی قرار دادند، مصرف انسانی چای انبار شده ممنوع دانسته شد. آنها دوباره اعتراض کردند و پرونده کش داده شد. بعد اعلام کردند که چای را برای مصرف رنگ و صنایع نساجی نیاز داریم. قاضی این بار دوباره سراغ کارشناسان مربوطه رفت. بر اساس نظر کارشناسان رسمی دادگستری راجع به ۳۲ میلیون کیلوگرم چای داخلی تاریخ مصرف گذشته، آنها اعلام کردند که این چای های آلوده حتی امکان استفاده در صنایع غذایی، نساجی و آرایشی، نه درست است و نه صرفه اقتصادی دارد. با این حال خریدار ناقض قرارداد با اقامه دعوا نوزده مراجع قضایی خواستار تحویل ۳۲ میلیون کیلوگرم باقیمانده موضوع قرارداد (لغو شده) می شود که این امر به دو دلیل با مخالفت دادگاه مواجه شد. اولاً امکان عرضه چای سنواتی غیر قابل مصرف به بازار داخل و یا خارج و یا فرآوری مجدد و رصد نمودن مصرف آن در موارد غیر خوراکی میسر نیست، ضمن آنکه بخشی از محموله‌های چای وارداتی که به صورت قاچاق وارد می‌شود همان چای باز فرآوری شده‌ای است که با ترکیب مواد شیمیایی از جمله اسانس و رنگ می تواند سبب آسیب دیدن سلامت مصرف کنندگان شود. ثانیاً چنانچه این چای بنا به ادعای خریدار به خارج از کشور انتقال داده شود و به هر علتی پس از باز فرآوری به عنوان چای خارجی وارد کشور شود به قیمتی از قرار هر کیلوگرم حدود ۲۰۰ هزار تومان به فروش خواهد رسید به عبارتی خریدار با پرداخت مبلغی معادل شش میلیارد و چهارصد میلیون تومان به سود سرشاری معادل ۶۴۰۰ میلیارد تومان دست خواهد یافت و در این رهگذر سلامت مردم را با خطر مواجه خواهد نمود. با وجود سوءجریانات واقع شده در فروش چای سنواتی غیر قابل مصرف که شرح آن در متن تصمیم نهایی شماره ۱۰۱۸۰۲۱/۱۴۰۰۳۹۰۰۱ مورخ ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰ اجرای احکام شعبه ۲۳ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران منعکس شده (رونوشت پیوست)، همچنین گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی هم بر آن صحنه می‌گذارد، یکی از مسئولان وقت قوه قضائیه با حمایت آشکار و سفارش‌های مکرر در مسیر رسیدگی سعی در تغییر مسیر داشته و مبادرت به اعمال فشار بر قاضی اجرای احکام می‌کند تا خریدار از این رانت و مفسده اقتصادی بهره مند شود. (شاید نیت خبری داشته و ما خبر ندرایم) /دیدبان ایران

***دروغ نامیدن تمامی اظهارات و مستندات او کلی و قاضی**

با این حال «شمس» تمامی این اظهارات را دروغ عنوان کرده و در جوابیه خود گفته که همانطور که روغن خام را می شود وارد کشور کرد پس چای مورد نظر هم ایرادی ندارد. او گفته قاضی اجرای احکام حق نداشته حکم دیوان را اجرا نکند. همچنین از دعوی شخصی خود با قاضی اجرای احکام سخن گفته است. با این حال بهتر است رئیس قوه قضائیه با مستندات قاضی اجرای احکام پرونده (سلمان پورمریدی) در این خصوص ورود کند و برای مردم توضیح دهد که آیا ادعای قاضی درست است یا ادعای متهم پرونده؟



**چرا قاضی
اجرای حکم
چای آلوده
برکنار می‌شود؟**



ماهنامه سراسری میدان آزادی
(اجتماعی-سیاسی)

شماره: ۱۵
۲۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳
مناح: امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی کسایی زاده

چاپخانه: آیین چاپ

خبرنگار، طراح و سردبیر:
سید هادی کسایی زاده

آدرس:
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان
بهنام-کوچه بهنام سه-ساختمان پارسه
واحد ۴-تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴

یادداشت روز ماهنامه میدان آزادی

امام جمعه‌ها مقدس نیستند!



سید هادی کسایی زاده مدیر مسئول

دادگاهی شدم و ده بار بازداشت و زندانی شدم پس اطلاعات دقیق از قضات و رفتارها و عدالت‌ها دارم. کسی نمی‌تواند به من دروغ بگوید یا فریب دهد. چون از نزدیک شاهد و ناظر بر اعمال و رفتار قوه قضائیه بوده‌ام. اینکه برخی آقایان تلاش می‌کنند دهان من را ببندند و یا مجوزهای رسانه‌ای من را غارت کرده و لغو کنند نشأت گرفته از صداقت گفتار و خبرنگاری حرفه‌ای است که ترس و وحشتی در وجود مدیران فاسد دولتی انداخته است. اگر خبرنگاران حرفه‌ای و ضدفساد مورد حمایت قوه قضائیه قرار داشتند قطعاً فساد در ایران ریشه کن می‌شد. بدیهی است که شخص آقای اژه‌ای فرد فاسد و رانت‌خواری نیست و این در زندگی شخصی و ظاهری او مشهود است. حتی محاکمه فرزندان معاون اول قوه قضائیه و مدیران قضات فاسد دلیل بر این ادعا است. اما خواسته‌من بعنوان روزنامه‌نگار این است که این تفکر و مسیر برای همه یکسان باشد. نگوئیم چون طرف مشاور قوه قضائیه یا امام جمعه است استثنی قائل شویم. حتی اگر می‌دانید طرف بی‌گناه است نیاز به تکذیبی شورسازانه‌ای نیست. به راحتی احضار کنید و مدارک و مستندات را بررسی کنید و دادگاه علنی برگزار کنید. چرا دادگاه علنی باید برای تیم احمدی نژاد یا کرباسچی و اصلاح طلبان باشد؟ اصولگرایان پسران خدا هستند؟ امامزاده هستند؟ از آیت الله هاشمی باید آموخت که دو فرزندش در زندان بودند اما به قانون احترام گذاشت. دستور شورش و کودتا نداد و قهر نکرد و تا لحظه آخر مثل مردی شریف خدمت کرد. من در این سالهایی که خبرنگار بودم شاهد بی‌عدالتی‌های فراوانی بودم چه در حق خودم و چه در حق مردم ضعیفی که هیچ پناهی ندارند. شاهد وکلای فاسد و قضات فاسدی که برخی شناسایی و محاکمه شدند و برخی هنوز پنهانند و کار می‌کنند. شاهد مدیران دولتی دزد و غارتگر که برخی محاکمه و برخی فراری شدند و هنوز عده‌ای مشغول کارند. بعنوان یک خبرنگار ایرانی مسلمان از هیچ احدی جز خدای متعال نمی‌ترسم و فسادها را برای هر فرد با هر لباس و درجه‌ای باشد افشا می‌کنم و معتقدم خدا می‌بیند و حمایت خواهد کرد. از رئیس قوه قضائیه و مسئولان قضایی و دستگاه‌های نظارتی هم می‌خواهم محکم تر وارد میدان شوند. فرقی میان افراد قائل نشوند. بدون محاکمه علنی به مردم نگویند فلانی گناهکار بود یا بی‌گناه که درست نیست و موجب ناامیدی در جامعه می‌شود. به خدا قسم اگر هر مسئولی بداند که قبر آخرین منزل او در دنیای فانی است و با دست خالی و تنهایی عروج می‌کند بیشتر می‌ترسد و قلمش به سوی منافع حزبی و گروهی نمی‌چرخد. لذا از قوه قضائیه می‌خواهم که پرونده کاظم صدیقی را در دادگاهی علنی بررسی کند. اگر بی‌گناه بود مردم عذرخواه بوده و عزت او افزایش می‌یابد و اگر گناهکار بود باید مجازات سنگین حتی سنگین تر از قانون شود چون مدعی هدایتگری مردم بوده است. جناب آقای اژه‌ای و سران قوا بدانید که هر فردی در هر لباسی اگر خیانت کند دستی از غیب او رارسوا خواهد کرد و دنیا دار مکافات گناهکاران است. سران قوای سه گانه جمهوری اسلامی ایران و مسئولان عزیز ما اگر خون ۳۰۰ هزار شهید را جمع کنیم ۲۲ میلیون لیتر می‌شود. یعنی ۲۲ هزار متر مکعب که برای خود دریای خروشان است. ما چطور باید جواب این دریای خون را بدهیم که برای زنده مانده ما نثار شده است. بدیهی است زندانی کردن خبرنگار و افشاگران فساد شباهت زیادی به اقدامات گذشته در دولت و حکومت‌ها دارد و در اندازه و قامت جمهوری اسلامی ایران نیست. ما هوار کشیدیم و تصویر خبرنگار عربستانی را در راهپیمایی روی سر گرفتیم اما همین بلاطور دیگری سر خبرنگاران می‌آید. لذا درخواست تغییر در نگرش‌ها و قوانین ایران داریم. هرگونه سهل‌انگاری در تقویت روزنامه‌نگاری ضدفساد حمایت از فساد محسوب می‌شود و این ۶۶ سال است ادامه دارد. ما در ایران هیچ قانونی برای حمایت از خبرنگاران نداریم و همه قوانین به نفع مسئولان فاسد در برابر رسانه است و این را می‌توانم بعنوان خبرنگار ضدفساد اثبات کنم. لذا می‌خواهم ترتیبی اتخاذ کنید تا در مجلس جدید و دولت جدید قانون حمایت از خبرنگاران تدوین و تصویب شود تا بتوانیم آزادانه تحقیق کرده و گزارشات را منتشر کنیم که این به نفع توسعه کشور است.

می‌گویند طرف نام فرزندش را رستم گذاشت و می‌ترسید او را صدا کند! ماجرای ما در جمهوری اسلامی ایران هم همین است. گاهی برخی افراد را آنقدر بزرگ و مقدس می‌کنیم که اگر هم خطایی کردند جرات نداریم با آنها برخورد کنیم. وقتی محمود احمدی نژاد گفت محمدرضا رحیمی معاون اول دولت نهم خط قرمز من است به این اعتقاد داشت چون تربیت شده همین تفکر بود. بعد رحیمی بازداشت و محاکمه و زندانی شد. یا سعید مرتضوی دادستان وقت تهران تصور نمی‌کرد روزی دادگاهی شود. این نشانه‌ها خوب است. اینکه مارتیس بانک مرکزی نظام جمهوری اسلامی را به دلیل فساد محاکمه کنیم هر چند زشت است اما چاره‌ای نیست. در حکومت امیرالمومنین (ع) هم او در فرامینی برخی از مدیران فاسد حکومتش را عزل و دادگاهی می‌کردند. لذا صرف اینکه یک حکومت اسلامی باشد دلیل بر مقدس و تطهیر آن حکومت و مسئولانش نیست. در ماجرای پرونده زمین خواری و حوزه علمیه منصوب به آقای کاظم صدیقی امام جمعه تهران مباحثات قوه قضائیه در شفافیت علنی پرونده ضربه بزرگی به اعتماد عمومی مردم ایران زد. مردم تصور می‌کنند چون فرد امام جمعه یا مشاور رئیس قوه قضائیه است لذا هر گناه یا اشتباهی مرتکب شود ایرادی ندارد و این برخلاف رویه حکومت امیرالمومنین (ع) است. بعد هم روزنامه همشهری که زیر دست تفکرات علیرضا زاکانی است با تیتیر «برخوردمو منانه» آبا پاجکی را روی دست مردم ریخت که تفکر رعیت و ارباب پابرجاست. آقای صدیقی که هنوز از سوی قوه قضائیه دادگاه علنی رسیدگی به اتهاماتش برگزار نشده به آسانی دوباره امام جماعت تهران می‌شود. و این اقدام هم منطقی نبود. و به نوعی دهن کجی به افکار عمومی بود یعنی به شمار ربطی ندارد. اصلاً اصل را بر این بگیریم که افشای پرونده زمین خواری صدیقی از سوی مخالفانش و یاشبکه‌ای با پول پاشی شکل گرفته باشد. چه ارتباطی با رسیدگی به این پرونده دارد؟ آیا در جمهوری اسلامی ایران مردم حق ندارند مطالبه‌گری داشته باشند؟ این رویه پنهان سازی در دوران طاغوت هم بود و مردم برای همین شهید دادند تا انقلاب شود. تصور این بود که با حضور و انتصاب محسنی اژه‌ای بعنوان رئیس قوه قضائیه مبارزه با فساد قوت بیشتری بگیرد و حقیقتاً اقدامات خوبی هم رخداد. اما در برخی موارد این تصور غیر قابل باور شده است. اینکه سیم کارت یک خبرنگار را بدون حکم قضایی قطع می‌کنند و قوه قضائیه بعنوان مدعی العموم هیچ کاری نمی‌کند شائبه می‌آورد. یا اینکه فردی مثل حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه حکومتی کیهان به راحتی تیم پزشکیان را فاسد و طرفدار همجنس‌بازان خطاب می‌کند و قوه قضائیه نمی‌تواند یا نمی‌خواهد او را احضار و محاکمه کند. اینها را من بعنوان روزنامه‌نگار نمی‌گویم بلکه همه مردم ایران می‌گویند. همین اقدامات هم موجب می‌شود تا ۵۰ درصد مردم با صندوق رای قهر کنند چون بی‌عدالتی می‌بینند. بی‌عدالتی یعنی دختری با پوششی خاص مورد ضرب و شتم قرارگیرد و با همان پوشش در روز راهپیمایی ۲۲ بهمن عکس رسانه حکومتی شود. بی‌عدالتی یعنی یک زندانی در بدترین شرایط محبوس شود و زندانی که پولدار تر است شرایط بهتری داشته باشد. بی‌عدالتی یعنی یک خبرنگار برای افشای فساد به جای حمایت جرمه سنگین شود. آقایانی که تصور می‌کنند چون صلاحیت و رتبه شما از مردم بالاتر است در جایگاه خاصی قرار گرفتید. اگر اصل بر عدالت بود شما حتی فروشنده دستفروش هم نبودید. بی‌عدالتی یعنی انتصابات فامیلی و رانتی و سکوت تلخ مراجع نظارتی که اسفبار است. با خودتان سوال کنید و بیاندیشید چرا مردم به تزویر رای ندادند و به سمت فردی مثل مسعود پزشکیان آمدند؟ چون ساده بود؛ دروغگو نبود، اهل تزویر نبود. حداقل ظاهر و باطنش در انتخابات و رقابت‌ها یکی بود و فساد هم در زندگی خصوصی خود نداشت. شاید در آینده تغییر کند اما مردم به او رای دادند چون با خودش و مردم عادل بود و قرآن و نهج البلاغه‌ای که می‌خواند به آن عمل می‌کرد. مردم برای آخرین بار امیدوار شدند که شاید معجزه‌ای رخ دهد تا عدالت برقرار شود. بدیهی است اگر قوه قضائیه ما سالم و حرفه‌ای و عادل باشد اولین افرادی که سنگ آن را به سینه می‌زند خبرنگارانی هستند که صادقانه و شرافتمندانه کار می‌کنند. وقتی شخص من ۸۰ بار

سران قوای سه گانه جمهوری
اسلامی ایران و مسئولان
عزیز ما اگر خون ۳۰۰ هزار
شهید را جمع کنیم ۲۲
میلیون لیتر می‌شود. یعنی
۲۲ هزار متر مکعب که برای
خود دریای خروشان است. ما
چطور باید جواب این دریای
خون را بدهیم که برای زنده
مانده ما نثار شده است.